Archive of SID

تأمّلی در نگاهی به شعر نیما یوشیج

سعید رضوانی

طبیب‌زاده، امید، *نگاهی به شعر نیما یوشیج* (بحثی در چگونگی پیدایش نظام‌های شعری)، انتشارات نیلوفر، تهران ۱۳۸۷، ۱۴۴ صفحه.

مندرجات این کتاب مشتمل است بر پیشگفتار، مقدّمه، شش بخش متن اصلی، ضمایم (شاملِ «زندگی‌نامهٔ مختصر نیما یوشیج» و «فهرست اشعار نیما»)، فهرست مآخذ، و نمایه.

پیشگفتار چنین آغاز می‌شود:

> در این کتاب کوشیده‌ام هم جهان‌بینی و شعر نیما یوشیج را بررسی کنم و هم به بحثی نظری دربارهٔ چگونگی پیدایش نظام‌های شعری بپردازم. (ص ۱۱)

مؤلّف، در ادامه، مقاصد خود در نگارش این کتاب را چنین بیان می‌کند:

> کوشیده‌ام به‌اختصار دربارهٔ خاستگاه‌های تاریخی و فرهنگی شعر و اندیشه‌های ادبی نیما بحث کنم و: ضمن تحلیل برخی از اشعار او، خواننده را با برخی از سمبُل‌ها و نیز شیوه‌های او در بیان افکارش آشنا سازم. (ص ۱۱)

در **مقدّمه** هم کم‌وبیش بررسیِ شعرِ نیما یوشیج و جهان‌بینیِ زیربنائیِ آن به عنوانِ هدفِ کتاب معرّفی می‌شود. توضیحاتی که نویسنده در آن می‌دهد، روشن می‌کند که او این بررسی را با نگاهی به تاریخِ شعرِ فارسی و بر پایهٔ «پیش‌فرض‌های نظری» (ص ۱۶) مشخّصی انجام داده است.

www.SID.ir

Archive of SID

پیش از آنکه به بررسیِ محتوائیِ اثر بپردازیم، جا دارد در رابطه با ساختار ارائهٔ مطالب به نکته‌ای اشاره کنیم و آن اینکه، با نگاهی کوتاه به متن کتاب، می‌توان تشخیص داد که نویسنده کوشیده است مطالب را به صورتی عرضه کند که درک آنها برای خواننده تا حدِّ امکان آسان گردد. وی به این مقصود:

ــ از حاشیه رفتن در مباحث پرهیز کرده است؛

ــ مباحث را در فصل‌ها یا زیرفصل‌هایِ کوتاه با مضامین محدود و مشخّص طرح کرده است؛

ــ کتاب را به گونه‌ای کاملاً منطقی فصل‌بندی کرده است.

امّا بررسیِ محتوائیِ اثر. گفتیم که نویسنده «پیش‌فرض‌های نظری» مشخّصی دارد که «مهم‌ترین» آنها را به شرح زیر اعلام کرده است:

> با پیدایش یک نظام شعری جدید، به‌تدریج تغییراتی نیز، که ناشی از عملکرد آشنایی‌زدایی (defamiliarization) است، در اجزای آن نظام صورت می‌گیرد... امّا پیدایش یک نظام شعریِ جدید خود نه‌تنها ربط چندانی به آشنایی‌زدایی ندارد بلکه، برای تبیین علل پیدایش آن، باید از متن خارج شد و به بررسی شرایط و اوضاع تاریخی و فرهنگی خاصّی پرداخت که باعث پدیدآمدن آن نظام شعری شده است. به عبارت دیگر، صورت‌گرایی (formalism) تا حدّ زیادی علل بروز تغییرات را در اجزای یک نظام شعری توضیح می‌دهد. امّا، برای توجیه علل و چگونگی پیدایش خودِ آن نظام شعری، چاره‌ای جز بهره‌جویی از تاریخ‌گرایی (historicism) نداریم. (ص ۲۱)

این پیش‌فرضِ هوشیارانه، هرچند نویسنده در اثباتِ آن استدلالی نمی‌کند، بر اصلی کلّی استوار است که اعتبارِ آن به مقولهٔ ادبیّات محدود نمی‌شود و آن اینکه قوانینِ هرنظامی تنها به کارِ توضیحِ **پدیده‌هایی** که در چارچوبِ آن نظام ظهور می‌کنند می‌آیند و هرگز نمی‌توانند **خودِ نظام** یا **حکمت وجودیِ** آن را توضیح دهند.

پیش‌فرضِ دومِ نویسنده این است که

> تغییر جهان‌بینیِ شاعران و مخاطبان آنها از جمله علل به‌وجودآمدن یک نظام شعری جدید است. (ص ۲۱)

این بدان معنی است که با پیدایشِ جهان‌بینی‌هایِ جدید «خودبه‌خود و به‌تدریج» نظام‌های شعریِ مناسب برای تبیینِ این جهان‌بینی‌ها نیز ظهور می‌کنند. (←ص ۲۱ و ۲۲)

www.SID.ir

Archive of SID

آخرین پیش‌فرض، نتیجهٔ منطقیِ پیش‌فرضِ دوم، این است که

> گاهی ممکن است یک نظام شعری جدید، بی‌هیچ ضرورتی و صرفاً برحسب تفنّن یا طبع‌آزمائیِ برخی شاعران به وجود بیاید. در این حالت، آن نظام شعری خودبه‌خود و پس از مدّتی از میان می‌رود؛ زیرا پیدایش و دوام یک دالِّ جدید بیش و پیش از هر چیزی منوط به پیدایش یک جهان‌بینی جدید یا ضرورت خاصِّ دیگری است. (ص ۲۲)

نویسنده، بر پایهٔ این سه پیش‌فرض، می‌کوشد تا نشان دهد ظهور و تثبیتِ قالبِ نیمائی نتیجهٔ پیدایشِ یک جهان‌بینی در اندیشهٔ نیما یوشیج بود ــ جهان‌بینیِ مدرنی که در ادبیّات فارسیِ پیش از نیما سابقه نداشته است (←ص ۱۵–۱۶). در نگاهِ طبیب‌زاده، اصلی‌ترین عنصرِ این جهان‌بینیِ مدرن رمانتیسمِ نیماست و «تلاش او برای معنابخشیدن به زندگی و ایجاد مسئولیّتی خودساخته و خودخواسته» (←ص ۱۱۹)، که طبیب‌زاده این تلاش را هم برخاسته از رمانتیسم می‌داند. (←ص ۸۸–۸۹)

نویسنده این نکته را توضیح می‌دهد که سمبولیسم، مکتبی که نیما بیش از هر مکتبِ دیگر به پیروی از آن شهرت دارد، نیز ریشه در رمانتیسم دارد (←ص ۸۰–۸۲) و اشاره‌ای هوشیارانه هم به شباهتِ افکارِ نیما با اندیشه‌هایِ اگزیستانسیالیستی می‌کند (←ص ۸۸–۸۹). تصویری که طبیب‌زاده در این رابطه و ضمنِ تفسیرِ «افسانه» از جهان‌بینیِ نیما به دست می‌دهد نمودار آن است که او اگزیستانسیالیسم یا دستِ‌کم اندیشه‌های بنیادی آن ــ وقوف به موقعیّتِ نامطلوب و حتّی نومیدکنندهٔ انسان در این جهان و، درعینِ حال، تلاش برای مفهوم‌بخشیدن به زندگی ــ را به‌خوبی فهمیده است. وی، در این تفسیر، می‌نویسد:

> عاشق درمی‌یابد که افسانه، گرچه دروغ و غم است، دروغی دلاویز و غمی سخت زیباست که در پناه آن می‌تواند برای دل عاشقانِ بی‌قرار شعر بگوید و بر دل‌های آشفته مرهمی باشد. اینکه جهان معنایی ندارد بارها و بارها در ادبیّات فارسی به انحاءِ گوناگون مطرح شده‌است. امّا اینکه انسان، به رغم آنکه می‌داند نه عقلی بر جهان حاکم است و نه منطقی در آن وجود دارد، باید از طریق پذیرشِ مسئولیّت به زندگی خود معنا بدهد جهان‌بینی جدیدی است که ظاهراً نه در شعر فارسی و نه در کلِّ فرهنگ ایرانی منعکس و بیان نشده بود. (ص ۸۸)

به طورِکلّی می‌توان گفت طبیب‌زاده در دستیابی به بخشِ مهمّی از اهدافی که خود

www.SID.ir

Archive of SID

در نگارش این کتاب اختیار کرده تا حدِّ زیادی توفیق داشته است. او عناصر یا مؤلّفه‌های کلیدیِ زیربنای فکریِ هنرِ نیما یا، به تعبیر خود او، جهان‌بینی نیما را نشان می‌دهد و در میان مکاتبِ هنری به‌درستی و دقّت بر خاستگاه‌های اصلیِ شعر نیما انگشت می‌گذارد. طبیب‌زاده درکی صحیح و بسیار روشن از مسائلِ نظری ادبیّات دارد و در توضیح کارِ نیما با نگاه به مکاتب فکری ـ فلسفی و هنری همچنین در تشریحِ رابطهٔ این مکاتب با یکدیگر بسیار موفّق است.

کارِ طبیب‌زاده کاستی‌هایی نیز دارد. از آن جمله، پیش از همه، باید به این معنی اشاره کرد که او، هرچند دوران‌های شعرِ فارسی را یکی پس از دیگری پیشِ چشمِ خواننده می‌گذارد یعنی مباحث کتاب را عمدتاً در چارچوبِ بررسیِ تاریخی مطرح می‌کند، نمی‌تواند تحوّل و تکاملِ تاریخیِ شعرِ فارسی را به تصویر کشد و از سیر تاریخیِ شعر فارسی به سوی مدرنیسم تصوّر روشنی به دست دهد چون رابطهٔ مراحلِ تکاملِ شعرِ فارسی را نشان نمی‌دهد. علّتِ این ناکامی را چه بسا در حجم زیاده‌محدود کتاب باید سراغ گرفت.

یکی دیگر از نقاط ضعفِ تحقیقِ طبیب‌زاده آن است که، مانند بیشتر منتقدانِ شعر مدرنِ فارسی، با کارِ کسانی که پیش از نیما در متحوّل کردنِ شعرِ فارسی کوشیده‌اند با بی‌اعتنائیِ کامل برخورد می‌کند، چنان‌که می‌نویسد:

> تقی رفعت، شمس کسمائی، و ابوالقاسم لاهوتی از دیگر شاعران عهد مشروطه بودند که بسیار داعیهٔ نوآوری و تجدّد داشتند امّا به‌جرئت می‌توان گفت که مهم‌ترین نوآوریِ آنان درنهایت عبارت بود از به هم ریختن نظام سنّتی قافیهٔ شعر فارسی. (ص ۳۴)

حتّی اگر کارِ مدرنیست‌های پیش از نیما واقعاً تنها به نوآوری‌هایی در زمینهٔ قافیه محدود می‌شد ــ که نمی‌شود ــ نمی‌توانستیم آن را این‌چنین خُرد بگیریم؛ چون فُرمِ سنّتیِ قافیه در ایران بیش از هزار سال لازمهٔ شعر شمرده می‌شده و فکرِ تغییرِ آن هم به ذهن کسی خطور نمی‌کرده است. نیز فراموش نکنیم که افرادی نظیر تقی رفعت، شمس کسمائی، و ابوالقاسم لاهوتی به هر حال از پیشروانِ تحوّل شعر فارسی و از هوشیارانی بودند که ضرورتِ این تحوّل را پیش از دیگران دریافته بودند و هرکدام،

www.SID.ir

Archive of SID

به‌نوبهٔ خود، تا حدّی الهام‌بخشِ نیما شدند. از آن مهم‌تر اینکه وقتی نیما و تحوّلی که او در شعر فارسی پدید آورد بدون توجّه به گام‌هایی که پیش از او در این راه برداشته شده‌بود معرّفی می‌گردند ــ آن‌چنان که در کارِ طبیب‌زاده شاهد آنیم ــ تصوّری رمانتیک از نیما و نقشِ او در تجدّد به خواننده القا می‌شود و خواننده می‌پندارد که نیما، همچون اَبَرمرد، ناگهان و از دلِ هیچ ظهور کرده است.

❑

www.SID.ir